

سازمان جهنمی و جاسوسی ISI را بشناسیم

(در راستای کژاندیشی نواز شریف و پاکستان و ساده اندیشی اشرف غنی و افغانستان)

قسمت دوم

استاد (صبح)

«سه هدف مهم و استراتژیکی پاکستان: شیوه نظامی گری، تربیه ی افراط گرایی و نابودی کشورهای همسایه»



وطن را داد پاکستان به خواری
کجا با خود برند این شرمساری
اگر این است راه و رسم یاری
گذشتیم ما ازین همسایه داری

اهداف اصلی (آی اس آی) حفاظت از منابع پاکستان و امنیت داخلی و خارجی کشور- تحت نظر گرفتن گسترش نظامی و سیاسی کشورهای همسایه که نسبت مستقیم با امنیت ملی پاکستان دارند - فرمول بندی کردن ساختار سیاست خارجی و نحوه جمع آوری اطلاعات داخلی و خارجی- هماهنگی وظایف اطلاعاتی بین نیروهای سه گانه قوای مسلح- نظارت دقیق بر کادر خارجی ها، رسانه ها و فعالان سیاسی جامعه پاکستان- نظارت بر دیپلمات های سایر کشور ها که در پاکستان مقیم اند و دیپلمات های پاکستان که خارج از این کشور فعالیت می کنند. مرکز سازماندهی این سازمان در اسلام آباد مستقر است- رییس آی اس آی سه معاون دارد و این سه معاون به صورت مستقیم به رییس گزارش می دهند و هر معاون در سه شاخه

جداگانه آی اس آی فعالیت می کنند - شاخه داخلی در مواجهه با ضد اطلاعات و مسائل سیاسی داخلی پاکستان است، شاخه خارجی هدایت عملیات خارجی را بر عهده دارد و شاخه سوم مربوط به بررسی روابط خارجی است. اکثریت کارمندان آی اس آی از نیروی پولیس و اردو و برخی تشکیلات مخصوص اردو مثل کماندوهای SSG هستند. گفته میشود حدود ده هزار کارمند و افسر مشغول بکار اند. این ده هزار شامل همکاران اطلاعاتی و جاسوسی و استخدام افراد که از محلات گوناگون به کارمندان آی اس آی اطلاعات جمع آوری مینمایند شامل نمیشود.

مسوولین سازمان جهنمی (آی اس آی) از ابتدا تا کنون:

- دگروال ریاض حسین از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۶ میلادی

- دگروال محمد اکبرخان از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ میلادی

- دگرجنرال غلام جیلانی خان از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ میلادی

- دگرجنرال محمد ریاض خان از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ میلادی

-جنرال اختر عبدالرحمن از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ میلادی

-جنرال حمید گل از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ میلادی

-جنرال شمس الرحمان کلو از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰ میلادی

-جنرال اسد درانی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ میلادی

-جنرال جاوید ناصر از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ میلادی

-جنرال جاوید اشرف قاضی از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ میلادی

-جنرال نسیم رانا از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ میلادی

-جنرال ضیاء الدین بت از سال ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ میلادی

-جنرال محمود احمد از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ میلادی

-جنرال احسانالحق از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ میلادی

-جنرال اشفاق پرویز کیانی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ میلادی

-جنرال ندیم تاج از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ میلادی

-جنرال احمد شجاع پاشا از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ میلادی

-جنرال ظهیر الاسلام ارسال از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ میلادی

- نواز شریف، صدراعظم پاکستان، رئیس جدید اداره استخبارات این کشور موسوم به آی اس آی را منصوب کرد، وی جنرال «رضوان اختر» را به عنوان جانشین جنرال «ظهیر السلام» در این پست

معرفی کرد. جنرال رضوان اختر، در هفته اول ماه اکتبر و با تقاعد جنرال ظهیرالسلام، فرماندهی این سازمان پر قدرت در پاکستان را به دست خواهد گرفت. جنرال اختر از جنرالان نزدیک به راحیل شریف، لوی درستیز اردوی پاکستان است. جنرال اختر تا پیش از این، مسوولیت نیروهای نظامی موسوم به رنجرز در ایالت سند که کراچی مرکز آن است را بر عهده داشته است. اختر همچنین دارای تجربیات زیادی در فعالیت های مبارزه با تروریسم به ویژه در مناطق قبیله ی است.

طالبان در زمستان سال ۲۰۰۱ به سوی مرز فرار نکردند، بلکه به صورت گروپی و به وسیله ی بس، تکسی، تراکتور، سوار بر شتر و اسب و حتی پیاده به مرز رسیدند. برای بسیاری از آن ها، این یک فرار نبود، بلکه بازگشت به خانه بود. از گشت به اردوگاه ها در بلوچستان، خیبر پشتونخواه، سند و پنجاب اما عمدتاً کوئته، یعنی جایی که در آن رشد کرده بودند و خانواده هایشان هنوز آنجا زندگی می کردند، بازگشت به مدارس مذهبی که روزگاری در آن درس می خواندند. آنها به وسیله ی گروه های افراطی پاکستان و جمعیت علما، همراه با پتو، لباس های نو و بسته های پر از پول، مورد استقبال گرمی قرار می گرفتند. مقامات (آی. اس. آی) برای طالبان دست تکان می دادند.

سران دولتی و نظامیان عالی رتبه برآن نبود تا طالبان را که به مدت دو دهه به وسیله ی اردوی کشور تاسیس و مدیریت شده بودند، نا امید یا دستگیر کند. برای پاکستان، طالبان تجسم آینده ی پاکستان بودند و باید تا زمان معینی به دور از کمره ها و دید رسانه بود و باش میکردند.

طالبان متواری که شامل همه مقامهای ارشد می شد، در مناطق قبیله ای هم مرز افغانستان که مملو از هرج و مرج بود، پناه گرفتند. مناطقی که تا به حال برای بقا و فعالیت هایشان بسیار حیاتی هستند. این مناطق قبیله ای مرزی واقع در خاک پاکستان، شامل بلوچستان، ایالت سرحد شمال غربی و مناطق قبیله یی آزاد (فتا) می شود. فتا که از سمت شمال غرب با افغانستان هم مرز است، دارای هفت ناحیه قبیله یی می باشد (خیبر، کورم، مهند، باجور، کوروم، وزیرستان جنوبی و وزیرستان شمالی) و از نظر استراتژیک جهت ادامه ی نا آرامی ها در افغانستان، از اهمیت بالایی برای طالبان برخوردار است و این مرز مشترک با پاکستان، کانونی برای آشوبگران در بی ثباتی افغانستان است.

مناطق قبایلی آزاد، همان هفت ناحیه ای است که در اطراف خط دیورند واقع شده اند. منطقه ی وزیرستان شمالی به مرکزیت «میرامشاه» و وزیرستان جنوبی به مرکزیت «وانا» و مناطق باجور، مهند، خیبر، اورکزی و کورم، هفت منطقه مهم در خط مرزی دیورند هستند که ششصد کیلومتر مرز با افغانستان دارند. مناطق قبایلی آزاد بیست و هفت هزار کیلومتر مربع مساحت دارد، نفوس مناطق قبایلی یکنیم میلیون نفر برآورد شده است.

وزیرستان که منطقه ای قبیله ای و خود مختار در پاکستان و با افغانستان هم مرز است، پناهگاه اصلی نیروهای طالبان و القاعده است. این منطقه ی مرزی ناهموار، جایی است که مانند کشوری مستقل، از آداب، رسوم و سنن خود تبعیت می کنند. این منطقه در ناحیه ای به وسعت هزار و پنجمصد مایل که از بیابان های بلوچستان در جنوب شروع شده و تا کوه های هندوکش گسترده شده است.

حمایت برون مرزی برای هرگونه نا آرامی، حیاتی است، زیرا در مواجهه با جنگ طولانی علیه نیروهای دولتی با جنگ افزار های برتر، آشوبگران باید به سراغ اقوام همفکر شان بروند و جهت افزایش قابلیت های نظامی و سیاسی خود با سازمان های بین المللی ارتباط برقرار کنند. طالبان برای جذب چنین حمایت های، مشکل خاصی نداشتند. این نوع کمک حیاتی به وسیله ی دولت پاکستان در اختیار طالبان گذاشته شده که شامل دو بخش اصلی است:

کمک از جانب مقامات و سران پاکستان، یعنی اردو و (آی. اس. آی) اجازه فعالیت آزادانه در پاکستان.

سه دستگاه در پاکستان مسوول «طرح طالبان» بوده اند- دستگاه امنیت (آی. اس. آی)، وزارت داخله و اردو. این مجموعه نظامی به دو علت می توانست مسوول طرح طالبان به شمار آید: نخست آن که نخبگان ارتش و نیروهای امنیتی پاکستان از درون نظام استعماری انگلیس (Cloughley,2000) سر برآورده، مستقیم یا غیرمستقیم به وسیله ی همین نظام تربیت شده بودند؛ اما به تدریج به ویژه دستگاه امنیت از کارشناسان امنیتی- نظامی ایالات متحده آمریکا تأثیر پذیرفتند و زیر نظر و نفوذ آنان درآمدند. دوم آن که نیروهای اردوی پاکستان در طول به اصطلاح جهاد با اتحاد جماهیر شوروی با خصوصیات اقوام و گروهها آشنایی نزدیک یافته بودند. از این رو، می توانستند در صحنه ی بغرنج کشور خودنمایی کنند.

سازمان اطلاعات پاکستان با سابقه فعالیت شصت و هفت ساله خود اکنون با نام مهمترین نهاد امنیتی از اهداف و روش های خاصی پیروی می کند و در جریانات سیاسی این کشور تأثیری مستقیم دارد. پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی، دو سازمان جدید اطلاعات در این کشور ایجاد شد، اداره اطلاعات (IB) و اطلاعات نظامی (MI)، عملکرد ضعیف اداره اطلاعات در هماهنگی اطلاعاتی بین اردو، نیروی دریایی و هوایی در زمان جنگ هند- پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی موجب تاسیس سازمان اطلاعات داخلی موسوم به (آی اس آی) در سال ۱۹۴۸ شد. تشکیلات این سازمان بگونه ی است که نیروهایش از بین افراد سه گانه نیروهای اردو انتخاب و مامور جمع آوری و ارزیابی اطلاعات خارجی اعم از نظامی یا غیرنظامی می شوند.

(آی اس آی) زابیده افکار یک افسر استرالیایی الاصل اردوی انگلیس به نام کاتوم است. در ابتدا (آی اس آی) هیچ گونه نقشی در جمع آوری اطلاعات داخلی، جز منطقه مرزی شمال- غرب و کشمیر آزاد، نداشت. در اواخر ۱۹۵۰ که ایوب خان رئیس جمهور پاکستان شد، نقش (آی اس آی) را در حفاظت از منافع پاکستان و تحت نظر گرفتن سیاست های اپوزیسیون و حفظ نقش اردو در پاکستان افزایش و توسعه داد. این سازمان پس از شکست در جنگ هند- پاکستان در سال ۱۹۶۵، مجدداً در سال ۱۹۶۶ سازمان دهی شد. در این دوره مسئولیت جمع آوری اطلاعات سیاسی داخلی در شرق پاکستان نیز به این سازمان واگذار شد. بعداً در زمان انقلاب ملی گرایانه بلوچ ها در بلوچستان در اواسط ۱۹۷۰ (آی اس آی) ماموریت یافت قلمرو بلوچستان را نیز پوشش دهد.

در زمان ریاست ذوالفقار علی بوتو که منتقد نقش (آی اس آی) در زمان انتخابات ۱۹۷۰ بود و همین مسئله سبب تجزیه پاکستان و شکل گیری بنگلادیش شد، (آی اس آی) اهمیت خود را از دست داد. پس از به قدرت رسیدن ضیاالحق در ۱۹۷۷، مجدداً (آی اس آی) توسعه یافت و مسئول جمع آوری اطلاعات در مورد گروه های کمونیستی سند و گروه های مختلف دیگر چون حزب مردم پاکستان شد در زمان حضور نیروهای شوروی در سال ۱۹۸۰، همکاری محرمانه بین (آی اس آی) و سیا افزایش یافت. مجاهدین زیر نظر و فرمان جنرال اختر و دگروال یوسف آموزش های لازم را در آمریکا دیدند و تعداد زیادی از کارشناسان عملیات پنهانی سیا به (آی اس آی) ملحق شدند تا در عملیات ضد شوروی شرکت کنند. تشکیلات (آی اس آی):

کمیته اطلاعات مشترک: این کمیته سایر دپارتمان ها را هماهنگ می کند. تمام اطلاعات و اخبار از سایر بخشها ها به اداره IX فرستاده و در آنجا بعد از تحلیل و تجزیه، گزارش های مربوط آماده می شود. **اداره اطلاعات مشترک:** مسئول جمع آوری اطلاعات سیاسی است و از سه زیر مجموعه تشکیل می شود که یکی از آنها مختص عملیات علیه هند است.

اداره ضد اطلاعات مشترک: مسئول نظارت بر دیپلمات های پاکستانی در خارج از کشور و علاوه بر آن، عهده دار مسئولیت عملیات اطلاعاتی در خاورمیانه، آسیای جنوبی، چین، افغانستان و جوامع مسلمان مربوط به اتحاد جماهیر شوروی است.

اطلاعات مشترک شمال: به صورت ویژه مسئول مناطق جامو و کشمیر است.

اطلاعات مشترک متفرقه: مسئول عملیات جاسوسی شامل تهاجمی در سایر کشورهاست.

مرکز اطلاعات سیگنال مشترک: مسئول جمع آوری اطلاعات در طول مرز پاکستان و هند.

اطلاعات فنی مشترک و علاوه بر موارد یاد شده، بخش های مربوط به عملیات انتحاری و جنگ کیمیایی.

ادارات و کارمندان (آی اس آی) در مصرف پول دست باز دارد و حسب لزوم دید میتواند صدها هزار روپیه را به مصرف برساند. بودجه این اداره خیلی محرمانه از جانب دولت تامین میگردد. همه کسانی که جریانات سیاسی و تصمیم گیری در پاکستان را مورد مطالعه قرار می دهند، بدون شک نیازمند این موضوع هستند که دو کانون مهم قدرت در پاکستان را بشناسند. از زمان استقلال پاکستان از هند بریتانیایی همچنان دو کانون قدرت و تصمیم گیری در پاکستان وجود داشته است که یکی دولت و دیگری اردوی پاکستان است.

اردوی پاکستان و به خصوص سازمان اطلاعات آن مهم ترین نهاد تصمیم ساز در عرصه سیاست های داخلی و خارجی این کشور هستند از این رو در برخی برهه ها میان دولت و نظامیان همگرایی وجود داشته و در برخی مواقع نیز واگرایی های منجر به تنش بر این رابطه حکمفرما بوده است. دولت های نظامی مانند دولت جنرال "پرویز مشرف" بهترین گزینه برای ارتش هستند. چرا که ارتش نیز با خیالی راحت نسبت به حفظ منافع خود در داخل و خارج از پاکستان با آرامش کامل در سیاست گذاری عمل می کند.

اما حکومت های شبه دموکرات همچون دولت "آصف علی زرداری" که در سال ۲۰۰۶ سکان هدایت کشور پاکستان را به دست گرفت، ارتش و سازمان اطلاعات را ترسانده و رویکردی تقابلی در برابر تصمیم های آنها اتخاذ می کنند.

با پایان دوره حکومت زرداری و روی کار آمدن نواز شریف در سمت نخست وزیر، رویکرد تقابلی میان دولت و اردو شدت گرفته است.

نواز شریف که اصلا دل خوشی از دوران مشرف ندارد، از ابتدای کار سعی کرده که اردو و به دنبال آن (آی. اس. آی) را به حاشیه براند غافل از اینکه اردو در تمامی نهاد های رسمی و غیررسمی پاکستان ریشه دوانده و اجازه کار بدون هماهنگی به دولت های غیرهمسو به خود را نخواهد داد.

یکی از مشکلات دولت های مختلف در پاکستان حضور و فعالیت گروه های متعدد شبه نظامی در مناطق قبایلی این کشور است و تا کنون یا راه مبارزه با آنها را در پیش گرفته اند و یا مذاکره که هر دو روش موفقیتی در بر نداشته است.

دولت نواز شریف نیز اخیرا تصمیم گرفت که بدون مشورت و مشارکت (آی. اس. آی) از در مذاکره با طالبان پاکستان درآمده و اوضاع در مناطق قبایلی را در دست گیرد.

با این حال شاهد آن هستیم که اردوی پاکستان تا کنون مانع بزرگی بر سر راه این موضوع ایجاد کرده و مجوز تصمیم گیری در مذاکرات را صادر نکرده است. حال با توجه به مطالبی که عنوان شد مشخص

می‌شود که دولت‌ها در پاکستان چاره‌ای جز کنار آمدن با اردو و (آی. اس. آی) ندارند که در غیر این صورت در پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود با مانعی بزرگ روبرو خواهند بود.

به گفته هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا، دلیل بزرگ‌ترین مشکلی که پاکستان با آن مواجه است، این است که آمریکا پاکستان را پس از جنگ سرد رها کرد بدون آن که شبکه‌های جهادی را که برای مقابله با نیروهای شوروی شکل گرفته بود، خلع سلاح کند. این مسئله باعث هرج و مرج در جامعه پاکستان شد و مشکل امروز پاکستان ریشه در جنگ افغانستان و همراهی با آمریکا دارد. تعداد زیادی از پاکستانی‌ها جنرال «حمید گل» رئیس سابق اطلاعات اردو پاکستان را مسئول شکل‌گیری طالبان می‌دانند. حمید گل بارها تأیید کرده است که خود وی طالبان را شکل داد تا در برابر روسیه مبارزه‌ای مقدس کنند اما دیگر موفق نشد آنها را خلع سلاح کند.

منطقه قبایلی که به اختصار (FATA) «منطقه به لحاظ اداری خودمختار» خوانده می‌شود، به وسیله خط دیورند (خط مرزی افغانستان و پاکستان که هیچ‌گاه مورد قبول افغانستان واقع نشده است) از افغانستان جدا می‌شود. به لحاظ جغرافیایی، منطقه قبایلی از غرب با افغانستان همسایه است، از شرق با دو ایالت سرحد و پنجاب پاکستان و از جنوب با ایالت بلوچستان پاکستان هم مرز است. بر اساس ارقام ارائه شده نفوس این منطقه سه تا چهار میلیون نفر است. اکثر نفوس این منطقه بگونه قبیله‌ای زندگی دارند و فقط سه تا چهار درصد آنها در شهر زندگی می‌کنند. مهم‌ترین شهرهای این منطقه عبارتند از - میرانشاه، راز مک، دارا باز ارو وانا. منطقه قبایلی به هفت ناحیه قبیله‌ای تقسیم می‌شوند که عبارتند از - مهمند، باجور، کورام، اورکزی، خیبر، وزیرستان جنوبی و وزیرستان شمالی. اگرچه ساکنان این منطقه همگی پشتون هستند اما خود به گروه‌های قومی کوچک‌تر تقسیم می‌شوند که با نام همان نواحی قبیله‌ای خوانده می‌شوند. این منطقه به صورت خودمختار اداره می‌شود و اگرچه در خاک پاکستان قرار دارد اما دولت مرکزی پاکستان و یا دولت‌های ایالتی حق مداخله در امور داخلی این منطقه را ندارند.

تا قبل از مداخله آمریکا در افغانستان، منطقه قبایلی فقط در پرتو اختلافات پاکستان و افغانستان بر سر «خط دیورند» مورد توجه قرار می‌گرفت اما پس از حمله آمریکا، طالبان در این منطقه مستقر شدند و از این زمان به بعد بود که منطقه قبایلی به محلی برای مشاجره تبدیل شد. این مشاجره دارای سه وجه بود، پاکستان و سران منطقه قبایلی، پاکستان و آمریکا، پاکستان و افغانستان. مشاجره پاکستان با سران قبایل یک وجه تاکتیکی و یک وجه استراتژیک داشت، وجه تاکتیکی حول مخالفت ظاهری پاکستان با سران قبایل به دلیل پناه دادن به طالبان و القاعده دور می‌زد. وجه استراتژیکی تلاش پاکستان برای بهره برداری از وضع موجود جهت بسط حاکمیت خود به منطقه قبایلی بود. در همین حال افغانستان و آمریکا،

دولت پاکستان را به دلیل استقرار طالبان و القاعده در خاک این کشور (منطقه قبایلی) مورد نکوهش قرار دادند.

صرف نظر از این مسائل، واقعیت این است که منطقه قبایلی می تواند به عنوان ابزاری در دست پاکستان یا افغانستان جهت تعدیل و تنظیم رفتار یک دیگر مورد استفاده قرار گیرد. قومیت و خود مختاری منطقه قبایلی یک عامل کلیدی در نقش آفرینی این منطقه در مناسبات افغانستان و پاکستان است. هرگاه افغانستان اراده کند می تواند با بهره گیری از ناسیونالیسم قومی و زبانی، ساکنین قبایل را علیه پاکستان تحریک کند و برعکس پاکستان نیز می تواند با تحریک همین احساسات آنها را علیه دولت کابل تحریک کند. در حال حاضر به دلیل استقرار طالبان در این منطقه و نیز به دلیل حمایت پاکستان از طالبان، منطقه قبایلی به سود پاکستان عمل می کند. اما هرگاه پاکستان قصد داشته باشد علیه طالبان عمل کند و یا حاکمیت خود را بر این مناطق گسترش دهد، ساکنین قبایل به سمت افغانستان و علیه پاکستان وارد عمل می شوند.

• با استفاده از منابع مختلف اینترنتی

ادامه دارد

www.esalat.org